

ضرورت شناخت علم حسابداری

“کار دانش، آزادی روان و رهانیدن انسان است.” ابوریحان بیرونی

یعقوب به‌آئین

رابطه معلم و شاگردی تنها از راه حضور فیزیکی شاگرد در محضر معلم برقرار نمی‌شود. هر کس که مستقیم یا غیرمستقیم آموخته‌ها و دانش خود را به دیگران منتقل کند معلم است. دکتر علی‌ثقفی با حضور فعال در سیستم آموزش دانشگاهی حسابداری در ایران، شاگردان زیادی در سراسر مملکت داشته و دارد. به پاس خدمات این استاد بزرگوار این اثر، خالصانه به ایشان تقدیم می‌گردد.

به‌روش سطحی استفاده نشود بلکه به مدد ادراک صرف، بتوانند حقیقت اعداد را مشاهده کنند و مانند بازرگانان از علم حساب برای کار خرید و فروش استفاده نکنند.

در تمدن بین‌النهرین، رونق تجاری و بازرگانی از سایر مناطق زیادتر بوده و آثار باستان‌شناسی حکایت از به‌کارگیری روش‌های مختلف ثبت و نگهداری اطلاعات مالی و به‌کارگیری آنها در تصمیم‌گیریها بوده است. قانون حمورابی، اولین قانون تدوین شده بشر است که نقش حسابدار (کاتب) را به رسمیت شناخته و هر معامله‌ای را که مهر حسابدار (کاتب) در آن نباشد از درجه اعتبار ساقط شناخته است. به‌موجب قانون، سند هر معامله، از کوچک و بزرگ، می‌بایست نوشته می‌شد و به امضای طرفین قرارداد و شهود می‌رسید.

نیاز جوامع و پاسخگویی به آنها همواره بشر را از رؤیاهای آرمانگرایانه خارج ساخته و او را وادار به درک واقعیتها ساخته است. ارسطو، شاگرد افلاطون، در اندیشه فلسفی خود به واقعیت زندگی پرداخته و نگرش خود و روش‌های مورد نظر برای اصلاح جامعه و تشکیل جامعه مورد نظر خویش را در کتاب “سیاست” تشریح کرده و از دیدگاه “اقتصاد مبتنی بر اصول اخلاقی دولتخواهانه” نگرشی نیز به کنترل مصرف و جوه خزانه داشته و آن را به‌عنوان واقعیتی فراتر از ثبت و ضبط پدیده‌های اقتصادی پذیرفته و عامل نظارت و بررسی را جهت اصلاح امور تجویز کرده است: “چون صاحبان برخی از مناصب، اگر نه همه، وجوه هنگفتی از خزانه مردم را در اختیار خویش دارند باید صاحب‌منصبی را معین کرد که

به قول گوته، “تاریخ دانش، خود دانش است.” به‌تحقیق می‌توان گفت که حسابداری پیشینه‌ای همانند کتابت نزد جوامع بشری دارد و همچنان که کتابت نمود بارز تمدن انسانهای جوامع کهن است، حسابداری نیز در نیاز به ثبت و تفسیر پدیده‌های اقتصادی جوامع بشری پا به پای کتابت پا به عرصه ظهور نهاده و به رشد خود ادامه داده و در جوامع مختلف بر حسب پویهای خاصی که وجود داشته، نقش و وظیفه خود را به تمدن بشری عرضه کرده است.

سرگذشت حسابداری در دوره‌های پیدایش تمدن انسان، با سرگذشت ریاضیات در هم آمیخته است، چنانکه ریاضیات کاربردی در تمدنهای بشری در مناطق مختلف آمیزه‌هایی از کاربرد علم حساب در زندگی روزمره و در تجارت و بازرگانی داشته است.

انسان همواره بنا بر دیدگاهها و طرز تفکر خود، کاربردهای متفاوتی از علوم را ارائه کرده است. حسابداری نیز از این قاعده برکنار نیست. بینشها و نگرشهای متفاوت و شرایط اقتصادی-اجتماعی منجر به نمودهای متفاوت در سرگذشت حسابداری گشته است. در یونان باستان، به‌کارگیری علم حساب در داد و ستد، در شأن بردگان تلقی می‌شد و این طرز تفکر موجب شده بود، اندیشمندان کمتر به نحوه به‌کارگیری علم حساب در بازرگانی همت گمارند. یکی از مشخصه‌های بارز این طرز تفکر در اندیشه افلاطون متجلی است. از دیدگاه افلاطون، ضرورت تدوین قانون برای تحصیل علم حساب برای کسانی که مشاغل عمده شهر را داشته‌اند مطرح است، منتهی با این نگرش خاص که از آن

تکامل دانشهای بشری به مدد مؤلفه‌ها و عوامل گوناگونی صورت می‌گیرد که یکی از آنها، کسب شناخت کافی درباره آن دانش و نقد آن از بیرون است. برای کسب شناخت درباره یک دانش، ناگزیر باید وارد مقوله “چیستی” آن دانش شد. سوال از چیستی دانش پرسشی بسیار پیچیده و فلسفی است، اما ناگزیر باید به آن تن داد و کوشید بدان پاسخ داد. علوم معتبر، هر کدام برای خود فلسفه‌ای دارد که از چیستی آن سخن می‌گوید و ماهیت آن را نشان می‌دهد. کسانی که وارد رشته حسابداری می‌شوند از سر تعصب حرفه‌ای یا شناخت و یا هر دو، دوست دارند که حسابداری را علم بدانند و برای علم بودن آن دلیل بیاورند و از دیدگاه فلسفی درباره چیستی آن بیندیشند. این‌گونه اندیشه‌ها خود ممکن است به پیشرفت حسابداری و جهت‌دهی چارچوب ذهنی انسان درباره حسابداری و نظام‌مند شدن این رشته بینجامد. شناخت علم ناشی از ذهنیت فلسفی است و متقابلاً بر رشد اندیشه فلسفی نیز تأثیر گذاشته است. حتی امروزه در آموزش دانش حسابداری به تبیین فلسفی آن نیاز داریم و بدون به‌کارگیری این‌گونه اندیشه و روش‌های مختلف شناخت علمی، با تنزل دانش حسابداری در مقایسه با سایر علوم رو به‌رو می‌شویم و تأثیر نهایی آن کم شخصیت شدن حسابداران (از حیث صاحب رأی و تفکر بودن) خواهد بود.

یکی از راههای دستیابی به شناخت علمی، نگرش به سرگذشت حسابداری و جایگاه تاریخی آن از بدو پیدایش جوامع بشری و استنتاج قانونمندیهای رشد حسابداری می‌باشد و

خود بی آنکه در اداره کارها شرکت کند، گزارش و حساب کار دیگران را بخواند. این صاحب منصب را برخی بازرس محاسبات و برخی دیگر محاسب و گروهی نیز ناظر می‌نامند."

حسابداری در طول تاریخ خود، توأم با تحولات رنسانس، تحول عمیقی پیدا کرده و در این تحول نیز بیشترین تأثیر را از اندیشه‌های فلسفی پذیرفته است، چرا که رنسانس عمدتاً بینشی مبتنی بر به‌کارگیری علوم در زندگی روزانه و خارج ساختن آن از جهت مجرد بوده است. از اندیشمندان آن دوران، فرانسیس بیکن، تصویر مناسبی از بینش آن عصر ارائه کرده است: "مقصود اصلی از علم باید قدرت یافتن بر عمل باشد برای سود رسانیدن به نوع بشر و اینکه گفته‌اند منظور از طلب علم رسیدن به معرفت حقیقت است سخنی تمام نیست، چه علمی که از آن استفاده عملی نشود چه حاصلی دارد؟ البته حصول علم، معرفت را هم در بر خواهد داشت و این نتیجه بزرگی است که به دست می‌آید ولیکن منظور نخستین باید تحصیل قدرت باشد، یعنی انسان به مشاهده تجربه و مطالعه در امور از قوانین آن آگاه شود و هنگامی که آن قوانین را به دست آورد از آنها پیروی می‌کند و بر طبیعت چیره می‌شود، قوانین طبیعت را به مقتضای نیازمندیهای خویش به کار می‌گیرد و آن را تابع اراده خود می‌سازد و به اختراعات نایل می‌شود و زندگانی خویش را بهبود می‌بخشد."

در تقسیم‌بندی دوران تاریخی، نظریه غالب در سطح جهانی، دنیا را به دوره‌های زیر تقسیم‌بندی کرده است:

- عصر اقتصاد (فلاسفه قرون وسطی)
- عصر بلندگرایی (فلاسفه رنسانس)
- عصر خردگرایی (فلاسفه قرن هفدهم)
- عصر روشنگری (فلاسفه قرن هجدهم)
- عصر ایدئولوژی (فلاسفه قرن نوزدهم)
- عصر تجزیه و تحلیل (فلاسفه قرن بیستم)
- عصر پست مدرنیسم (هزاره سوم)

اگر بر این تقسیم‌بندی ایرادی نباشد، حسابداری و حسابرسی فارغ از پیشینه تاریخی، به معنی جدید آن، محصول عصر تجزیه و تحلیل است که این عصر با توسعه سرمایه و صنعت در اروپا آغاز شد. چون فلسفه عرصه سنجش علم محسوب می‌شود، به کانونی برای تحلیل برآمدهای علوم تبدیل می‌گردد. بر این اساس فلسفه حسابرسی باید کانون تجزیه و تحلیل

برآمدهای حسابداری و اقتصاد در حوزه تبیین اعداد و ارقام در صورتهای مالی تلقی شود، چرا که حسابرس به عنوان مهمترین وظیفه خود که همانا اظهار نظر است، به اعداد و ارقام خام معنا و مفهوم اعتباری می‌بخشد و این وظیفه در قالبهای امروزی که همانا چارچوبهای نظری است، تبیین می‌شود.

چارچوبهای نظری تدوین شده توسط انسان همواره از جهانیابی انسان تأثیر پذیرفته و در طول تاریخ شکلهای متفاوتی به خود گرفته است. مجموع تلاش بشر در تبیین پدیده‌های اجتماعی، پاسخگویی به نیازها و گشودن مشکلات اجتماعی بوده که تئوری حسابداری نیز از این قاعده برکنار نیست. تئوری محصول فکری است که از تلاش بشر برای کشف حقیقت ریشه می‌گیرد، حقیقت زاده رابطه بین تفکر و هستی، رابطه بین ذهن و عین است.

حسابداری در فرایند تاریخی خود مراحل را پشت سر گذاشته که عبارتند از:

- دوران سادگی
- دوران بهینه سازی
- دوران یکنواختی
- دوران تورم
- دوران مداخله
- دوران همگرایی
- دوران ابداع

در تقسیم‌بندی اعصار تاریخ بشری، رشد حسابداری با هر یک از این دورانها و بینشهای مسلط بر آن پیوندی عمیق دارد. جهت استنتاج قانونمندیهای رشد حسابداری، در نظر گرفتن دورانهای تاریخی تمدن انسان ضروری است و همواره باید به دیده تحقیق در اصل بستگی متقابل دانش و فلسفه نگریسته شود.

منابع:

- ۱- زمینه جامعه شناسی، آگ برن و نیم کوف، اقتباس اح آرین پور، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۵۳، تهران، صفحه ۷
- ۲- نشریه بررسیهای حسابداری شماره‌های ۶ و ۷ زمستان ۱۳۷۲ بهار ۱۳۷۳، رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری: احمد بدری
- ۳- دانش و شبه دانش، ترجمه پرویز شهریاری، نشر نی، ۱۳۷۶، تهران، صفحه ۱۷
- ۴- ماهنامه حسابدار، شماره ۷۳ و ۷۴ بهمن ۶۹، شناختنامه و پیشینه حسابداران: مصاحبه با دکتر رضا شیاهنک
- ۵- جمهور افلاطون، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵، تهران، صفحه ۳۹۵
- ۶- الواح بابل، ادوارد شی پرا، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات فرانکلین، چاپ اول، ۱۳۴۱، تهران، صفحه ۹۵

- ۷- سیاست ارسطو، ترجمه دکتر حمید عنایت، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۸، تهران، صفحه ۲۸۰
- ۸- سیر حکمت در اروپا، محمدعلی فروغی، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۱، فصل هشتم، صفحه ۱۳۸:
- ۹- ماهنامه حسابدار شماره ۱۴۰، حسابرسی در عصر دانش و اطلاعات: غلامحسین دوانی